

۱۶۷۲۷

مجله	دانشکده ادبیات شه
تاریخ نشر	تابستان ۱۳۵۷
شماره	درم سال ۱۴
شماره مسلسل	
محل نشر	شه
زبان	فارسی
نویسنده	محمد مهدی رکنی
تعداد صفحات	۳۳۴ - ۳۲۰
موضوع	نگاهی چند از دقت سهراب قرآن مجید
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

تکاتی چند از دقت مترجمان قرآن مجید

قید زمان «از همیشه»، «همیشه‌ای»

اهتمامی که مسلمانان از زمان رسول اکرم ص به حفظ قرآن کریم داشتند، و کوششی که برای نگهداشتن آن از غلط خواندن یا کاهش و افزایش کلمات می‌کردند، دربارهٔ هیچ کتاب مقدس دیگری مانند ندارد. این کوشش صادقانه بی‌شک ناشی از تعلیمات خاصی بود که آورندهٔ قرآن خود به اصحاب و یارانش می‌داد. زیرا بنا بر اخبار مذهبی و قراین تاریخی آن حضرت گروهی را به از برکردن و نوشتن و ضبط آیات و دقت در این امور وا داشته بود، و شخصاً کارشان را زیر نظر داشت، بعلوری که در زمان خود نبی مکرم گروهی که به کمترین شماره چهار نفر بدون احتساب علی‌عیه‌السلام نامبرده شده‌اند، تمام قرآن را نوشته و جمع‌آوری کرده بودند!

علاقه‌ای که اعراب به یادگیری سخن فصیح داشتند، به علاوه ایمان راستینی که به پیامبر اسلام و کتاب آسمانی‌اش پیدا کرده بودند، و جدابیت و نفوذی که سخن خدا داشت، نیز همه از موجباتی بود که حفظ و ضبط دقیق آن را باعث می‌گشت. در تفسیرها و کتبی که دربارهٔ تاریخ قرآن نوشته‌اند، به نمونه‌هایی

از این دقت و سواس آمیز برمی‌خوریم؛ چنانکه بنا به نقل جلال‌الدین سیوطی، عمر بن خطاب در زمان خلافتش در آیهٔ «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ...» «الانصار» را به رفع خواند و «و» را به «الذین» نیفزود.

زید بن ثابت - که از قاریان معروف بود - خطای او را یادآور شد. چون عمر بر قرائت خود پافشاری کرد، ابی‌بن‌کعب را به ناواری آوردند. ابی‌سخن زید را تصدیق و تأیید کرد و عمر هم ناچار قرائت او را پذیرفت. این خیر به چند طریق دیگر نیز نقل شده^۳، که همه حاکی از اشتباهی است که عمر در حفظ این آیه داشته، و در تصحیح آن نیز فقط به قول ابی‌بن‌کعب - که از قاریان و معلمان قرآن بود - اعتماد می‌کرده. اما دیگران هم از اندک دگرگونی در خواندن يك آیه صرف‌نظر نمی‌کردند، و موضوع را بی‌گیری می‌نمودند، هر چند خطا تا این حد کوچک و خطا کار صاحب مقام بزرگی باشد.

نمونه‌ای دیگر از این امانت‌داری نسبت به قرآن را در زمان عثمان هنگام جمع‌آوری قرآنها و در آوردن آنها به صورت يك مصحف نیز می‌بینیم: ابی‌بن‌کعب نسبت به ضبطی که از آیه «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...» می‌کردند و «و» را در ابتدای آن نوشته بودند سخت اعتراض می‌نماید، و حتی مقام خلافت و مسؤولان امر را تهدید می‌کند، و چون به آیاتی مشابه آن - از سورهٔ جمعه و حشر و انفال - که با «و» آغاز شده است شهادت می‌نماید نظرش پذیرفته می‌شود^۴.

همین اهتمام در سراسر قرون اولیهٔ اسلامی وجود داشته، و به صورت‌های گوناگون تجلی می‌کرده. إعجاز و اعراب‌گذاری^۵ و شمارش

**سورهٔ توبه، ۲۴.

*سورهٔ توبه، ۱۰۰.

کلمات وحتى حروف قرآن^۶ از جمله جلوه‌های این محافظت و امانت در ثبت و ضبط قرآن و درست‌خوانی آن است، که خود موجب تکامل خط کوفی و پیدایش علوم مختلف لسانی در فرهنگ اسلامی بوده است.

در دوره‌های بعد این کوشش مقدس که با نوعی احتیاط دینی توأم گشت، موجب شد فقیهان حتی در جواز ترجمه قرآن تأمل کنند، مبدا در این ترجمه - که تبدیل لفظی به لفظ دیگر است - مراد خدای تعالی درست بازگو نشود، برخلاف تفسیر که مقام را در آن گنجایش شرح معانی گوناگون و مراد آفریدگار می‌باشد^۸. اما توسعه اسلام و کثرت مسلمانان غیر عرب، ضرورت برگرداندن قرآن را به زبانهای دیگر ایجاب می‌کرد. چنانکه در زمان امیر منصور بن نوح سامانی - نیمه دوم قرن چهارم هجری - این کار عملی شد. توضیح اینکه چون امیر نتوانست از تفسیر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) استفاده کند، علمای ماوراءالنهر را فراخواند، و از فقهایی که از شهرهای مختلف گرد آمده بودند در باب ترجمه قرآن به پارسی نظر خواست. آنان «گفتند و او باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی مرآن کس و اکه او تازی نداند، از قول خدای عز و جل که گفت: وما ارسلنا من رسول الا بالسان قومه»^۹.

پس از این فتوای مهم کار ترجمه تفسیر طبری آغاز گشت، و پارسی زبانان از این موهبت برخوردار گشتند که سخن خدا را به زبان مادریشان بخوانند، و با تفسیرها و ترجمه‌های آن از طریق زبان شیرین فارسی آشنا گردند.

از این زمان متبعی پرمایه و زلال برای زبان پارسی فراهم گشت،

که هنوز هم در مایه و برگردانیدن زبان ما می‌تواند سهمی بسزا داشته باشد، زیرا مترجمان با دقت و احتیاط تمام دست اندرکار برگرداندن کتاب خدا بوده‌اند، و معادل‌هایی که برابر کلمات قرآنی قرار داده‌اند واژه‌هایی گویای مقصود و خوش آهنگ و شیواست که نموداری از - واژه سازی اصیل و متناسب با طبیعت زبان ما ارائه می‌دهد^{۱۰}.

مزیت دیگر این ترجمه‌ها از جهت در برداشتن ویژه‌کارها و ظرایفی است که مترجمان برای رساندن معنی آیات بطور کامل رعایت می‌کرده‌اند، و مثالهای فراوان است و از هر دستی - مثلاً در یکی از قرآنها مترجم آستان قدس به شماره ۱۰۸۹، ترجمه «و كذلك نجزي الظالمين» بدین عبارات است: «و همچنانکه پاداش دهیم ستمکاران را»^{۱۱} که «ت» ضمیر متصل مخاطب برابر «ك» ضمیر عربی آمده؛ و همچنین ترجمه «تلك القرى نقص عليك من انبائها»^{۱۲} بدین صورت است: «آنت شهرها بر می‌گویم بر تو از خبرها و ی»^{۱۲}؛ و نیز در تفسیر شتقرشی در ترجمه «ذلك النخري العظيم»^{۱۳} می‌نویسد: «آنت عداوی بزرگ»^{۱۳}.

در لسان التنزیل که فرهنگ لغات قرآن است نیز مثالهایی گوناگون از این امانت در برگرداندن واژه‌های قرآنی و دقت را ملاحظه می‌کنیم؛ چنانکه در ترجمه مصدرهای باب تفعیل که تکثیر را می‌رساند کلمه «بسیار» را می‌افزاید مانند: «التقتیل» بسیار کشتن (۱۰۳)، و در صیغه مبالغه کلمه «بسیار» یا «بفایت» را درمی‌آورد مانند: «الاولین» بسیار توبه‌کنندگان (۱۴۱) و «امارة بالسوء» بفایت بد فرمانست^{۱۴} (۱۵۶). نوع دیگر از این ظرافت در ترجمه آیات را در تفسیر کشف الاسرار

* امران ، ۴۱ .

** امران ، ۱۰۱ .

*** توبه ، ۶۳ .

و عدو الأبرار می‌بینیم. رشیدالدین میبیدی در بخشی که به ترجمه آیات اختصاص داده - النوبة الأولى - ، در آیاتی که دو اسم فاعل به صورت جمع مذکر و مؤنث سالم باهم آمده ، برای آنکه این تذکیر و تانیث را در ترجمه متمکن کند ، نخست اسم فاعل را ترجمه کرده و بعد عبارت «مردان و زنان» را افزوده است تا در عین اینکه ترجمه وفادار به اصل است جمله پرروش نگارش پارسى باشد مانند: «وعدالله المنافقين والمنافقات» وعده داد الله منافقان را ، مردان و زنان (ج ۴ ص ۱۵۶ س ۲).

«والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء بعض» مؤمنان - مردان و زنان - یاران یکدیگرند (ج ۳ ص ۱۹۶ س ۱۹) . «ان المسلمین والمسلمات» گردن نهادگان ، مردان و زنان «والصادقین والصادقات» و راستگویان ، مردان و زنان «والصابرین والصابرات» و شکیبایان بر طاعت و ناکامیها ، مردان و زنان ، «والخاشعین والخاشعات» و فروتنان مردان و زنان^{۱۵} . (ج ۸ ص ۳۴ س ۱۸)

اما آنچه در این نوشته بخصوص مورد نظر است ، شرح نکته ایست خرد اما ظریف در همین تفسیر ، که میبیدی در ترجمه برخی آیات رعایت کرده ، و دقت و باریک بینی که در برگرداندن آیات داشته موجب شده قید زمان «همیشه» در آنها به دو صورت دیگر - غیر از شیوه معمول - نیز بکار رود ، و اینک شرح آن :

بسیاری از آیات قرآن به جمله هایی مانند «ان الله كان علیما حکیماً» و «كان الله سمیعاً بصیراً»^{**} ختم شده است که اصطلاحاً رؤوس آی نامیده می شود . نویسنده تفسیر کشف الاسرار در ترجمه این گونه آیات

* سورة نساء ، ۱۱

** نساء ، ۱۲۴

که متضمن فعل ناقص «کان» می باشد ، قید استمرار «همیشه» بنا «از همیشه» یا «همیشه ای» را می افزاید ، تا مفهوم زمان گذشته را که از «کان» برمی آید از بین ببرد ، و استفاده ای که برای صفات خدای تعالی در چنان آیاتی قائل بوده برساند . او خود ضمن تفسیر نخستین آیه سوره نساء می نویسد : «در قرآن هر جا که کان است به الله پیوسته ، معنی آنست که لم یزل ، همیشه چنان بوده که هست»^{۱۶} . همچنین ضمن شماره کردن وجوه معانی «کان» در قرآن می نویسد : «وبه معنی ماضی و حال و مستقبل ، چنانکه گفت : وکان الله غفوراً رحیماً ، وکان الله سمیعاً علیماً»^{۱۷} . میبیدی با آوردن قید استمرار «همیشه» و صورتهای دیگری از آن ، اختصاص و انحصار خبر «کان» - یعنی صفات پروردگار - را به زمان ماضی از بین برده ، و دوام و ثبوتی که لازمه صفات ذات قدیم الهی است می رساند ، و این نمونه ای دیگر از دقت و نکته سنجی مترجمان قدیم قرآن مجید است .

اینک شواهدی چند از ترجمه این رؤوس آی که در بخش ترجمه آیات - النوبة الأولى - از مجلدات کشف الاسرار آمده نقل می کنیم :

«وكان الله علیماً حکیماً» و خدای دانای راست دانش است همیشه

• (۴۴۶/۲)

«ان الله كان علیماً حکیماً» الله دانای است راست دانش از همیشه

• (۱/۸)

«ان الله كان عزیزاً حکیماً» که الله تواناییست دانا همیشه ای^{۱۸}

• (۵۲۴/۲)

«وكان الله غفوراً رحیماً» والله آمرزگاری بخشاینده است از همیشه^{۱۹}

• (۲/۸)

«ان الله كان علی کل شیء شهیداً» که الله بر همه چیز گواه است همیشه ای

• (۴۵۸/۲)

«وكان الله بكل شئ محيطاً» و خدای به همه چیز داناست ، دانای همیشه‌ای (۷۰۷/۲) .

«وكان الله على كل شئ قديراً» والله بر همه چیز تواناست همیشه (۳۲/۸)

«وكان الله واسماً» و خدای بر نیاز است توانگر ، فراخ‌دار فراخ‌بخش «حکیم» داناست به آنچه کردنی است در حکمت وی همیشه‌ای (۷۰۸/۲) . در همین صفحه نمونه‌های زیادی از این گونه ترجمه ملاحظه می‌شود .

«وكان ربك قديراً» و خدای تو توانای است همیشه (۴۳/۷) .

«وكان الله قویاً عزیزاً» والله تاوانده است بی‌همتا از همیشه (۳۲/۸) .
«وكان فضل الله عليك عظيماً» و فضل خدا بر تو بزرگ بود همیشه‌ای (۶۷۹/۲)

«وكان بكل شئ عالمین» و ما به همه چیز دانانیم همیشه (۲۷۵/۶) .
«انه كان غفراً» که الله آمرزگار است فراخ‌آمرز همیشه (۲۳۵/۱۰) .
«انه كان تواباً» که او خداوند توبه پذیر است همیشه (۶۴۷/۱۰) .

بررسی و نقد آرای دیگران

از آنجا که درباره معنی «کان» در چنان آیاتی و سبب آمدن «همیشه» در ترجمه آنها غیر از آنچه گفتیم نظرهای دیگری نیز ابراز شده ، مقتضی است به نقل و نقد آنها بپردازیم .

۱- صاحب‌المنجد ضمن شمارش معانی «کان» می‌نویسد : «وقد تفيد معنى الدوام والاستمرار نحو كان الله غفوراً رحيماً»^{۲۱} . مؤلف اقرب الموارد تفصیلی در این باره قائل شده و می‌نویسد : «وبمعنى الأزل والأبد نحو وكان الله عليمًا حكيمًا ، وبمعنى الدوام والاستمرار نحو وكان الله

غفوراً رحيماً»^{۲۲} .

۲- ابوعلی فضل‌بن حسن طبرسی در تفسیر مشهورش ذیل آیه ۱۱ سوره نساء می‌نویسد : «ان الله كان عليمًا حكيمًا ، اي لم يزل عليمًا بمصالحكم . . .» سپس از رجحان برای معنی «کان» در چنین عباراتی سه قول ذکر می‌کند که سومین آنها بدین بیان است : «وقال بمضمون الخبر من الله في هذه الاشياء بالماضي كالخير بالإستقبال والحال ، لان الاشياء عند الله في حال واحدة ، ماضی و ما یكون و ما هو کائن»^{۲۳} معنی این قول ماضی کردن فعل ماضی «کان» است از زمان در مورد آفریدگار متعال خود طبرسی نیز ظاهراً همین رای را پذیرفته بوده که در تفسیر چنین آیاتی غالباً عبارت «لم یزل» (= همیشه) را می‌آورد^{۲۴} .

۳- حیث تفسیری در شرح وجوه استعمال «کان» در قرآن مجید می‌نویسد : «وجه دوم کان به معنی صله بود در کلام ، یعنی زیادت باشد در کلام . چنان‌که در سوره الاحزاب (۲۷) گفت : و كان الله على كل شئ قديراً یعنی والله على كل شئ قدير ، و كان هاهنا صله فی الکلام . . .»^{۲۵} او همچنین چهار آیه دیگر - نظیر آنچه در شواهد ما بود - نقل می‌کند ، «وكان» را در همه صله (وسیله ربط) می‌شمارد که در معنی تأثیری ندارد و زیاد است .

۴- از مثالهایی که رضی‌الدین استرآبادی در مورد «کان زائد» ذکر می‌کند و شرطی که در زاید بودن آن قائل می‌شود چنین برمی‌آید که اونیز «کان» را در مثل آیات مورد نظر زاید نمی‌دانسته^{۲۶} ، گرچه با دلالت آن بر استمرار هم موافق نیست ، و این معنی را مستفاد از قرینه معنوی می‌شمارد نه لفظ «کان»^{۲۷} .

۵- باید توجه داشت که بسیاری از مفسران و آشنایان به موز قرآنی از تعبیر زاید بودن کلمه‌ای در کلام الله کراهت دارند ، و آن را شایسته

کتابی که در اوج فصاحت و بلاغت است نمی‌دانند؛ چنانکه ابوالفتح در تفسیر خود می‌نویسد:

«ان الله کان بکم رحیماً» بعضی گفتند «کان» صله است، و معنی آنست که ان الله رحیم بکم. و اولیتر آن بود تا ممکن بود که کلام خدای تعالی را جل جلاله بروجهی حمل کنند که مفید باشد و معنی دار، بر زیادت حمل نکنند. و «کان» اینجا هم آن حکم دارد که از جمله آیتها که گفت «کان الله غفوراً رحیماً» و «کان الله علیماً حکیماً». و معنی آنست که «کان» خبر را باشد از ماضی، و معنی آن بود اینجا و در چنین مواضع که ان الله لم یزل عالماً غفوراً رحیماً. خدای تعالی «همیشه» عالم و علیم و رحیم بوده است به شما، و این برسیل مبالغه و توسع بود^{۲۸}. ابوالفتح بر همین مبنا در ترجمه این گونه آیات قید استمرار «همیشه» را ذکر کرده است^{۲۹}.

۶- در سایر ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن مجید نیز کمابیش این نکته رعایت شده است، چنانکه در تفسیر سوره آدایی در ترجمه «وکان الله علی کل شیء قدیراً» می‌نویسد «و بود و هست خدای بر هر چیز توانا»^{۳۰}.

مؤلف لسان التنزیل در معنی آیه «انه کان تو اباً»^{۳۱} راجع به «کان» می‌نویسد: «و بود و هست و باشد»^{۳۱}. اما روشنتر از این در تفسیر عشری از قرآن این دقت در ترجمه را می‌بینیم: «انه کان غفوراً رحیماً»^{۳۲} «که تا بودست همیشه و تا باشد همیشه و اکنون همچنان؛ پوشنده گناهان بندگانت و مهربان برایشان»^{۳۲}.

در تفسیر گازر - که در واقع تلخیص و بازنویسی تفسیر ابوالفتح

** سوره نمر ۲۴

* سوره فتح ۲۱

*** سوره فرقان ۶

است^{۳۳} - نیز به نمونه‌هایی از این گونه ترجمه‌ها برمی‌خوریم^{۳۴}؛ اما در تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج) با آنکه از آیات مورد بحث در هر مجلد آن مکرر آمده، در ترجمه قید استمرار زمان نیامده است^{۳۵}؛ همچنانکه در ترجمه تفسیر طبری^{۳۶} و قرآن مترجم مورخ ۵۵۶ متعلق به کتابخانه آستان قدس^{۳۷} نیز این نکته رعایت نشده است.

۷- یکی از محققان ضمن آنکه فهرست وار خصایص «تفسیر کشف الاسرار و عده الأبرار» را برمی‌شمرد نوشته است: «در بیشتر مواردی که صفت مشبهه را می‌خواهد ترجمه کند کلمه «از همیشه» را به معنی آن می‌افزاید، تا معنی ثبات و دوام صفت مشبهه آشکار گردد»^{۳۸}. با تصریح خود میدی و شباهه شواهدی که نقل کردیم روشن می‌شود که این نظریه نمی‌تواند صحیح باشد، بخصوص که در ترجمه کلماتی که صفت مشبهه نیست - مانند غفار و تواب - قید استمرار نامبرده را آورده است، و بر عکس در آیاتی که صفت مشبهه آمده اما متضمن فعل «کان» نیست، ابداً کلمات «همیشه» یا «از همیشه» یا «همیشه‌ای» را ذکر نکرده، مانند آیات زیرین:

«ان الله واسع علیم» که الله فراخ توان است و دانا (۳۲۱/۱).

«فان الله غفور رحیم» الله آمرزگارست و بخشاینده (۶۰۷/۱).

«والله علیم حکیم» والله داناست راست دانست (۴۷۴/۲).

«وهو بکل شیء علیم» و او به همه چیز داناست (۴۷۲/۶).

«فان الله هو الفنی الحمید» الله اوست آن بی‌نیاز ستوده (۶۴/۱۰).

ناگفته نماند در بعضی از همین گونه آیات که - به تعبیر میدی - در آنها فعل «کان» به «الله» پیوسته است، قید استمرار را در ترجمه نیاورده، و این از موارد استثنایی است و نظیر سایر تفنن‌هایی می‌باشد که او در ترجمه آیات داشته، و ناقص آنچه گفتیم نمی‌باشد.

از آنچه گلشمت نتایج زرین به دست می‌آید :

- ۱- مترجمان قدیم قرآن مجید بواسطه ایمان راستین و مسلمانی درستی که داشتند، نیروی زبان‌دانی و ذوق ادبی خود را به کار می‌انداختند و می‌کوشیدند تا ترجمانی راست‌گفتار و درست‌کردار برای این نامه مقدس باشند. از این رهگذر ما علاوه بر معادلهای شیوا به نکات ظریف و دقیقی در ترجمه‌هایشان برمی‌خوریم که هم راهنمایی برای دشواریهای کار ترجمه می‌تواند باشد، و هم توانایی زبان فارسی را برای ادای معانی گوناگون - بارز و گاریبایی که می‌توان در آن معمول داشت - می‌رساند.
- ۲- در آیاتی که فعل ناقص «کان» آمده، و خبر آن یکی از صفات الهی است، بجهت دوام وثبوتی که لازمه این صفات است، زمان مود نظرنیست. این نکته دقیق در ترجمه آیات در تفسیر کشف‌الاسرار و ابوالفتح وازی رعایت شده است.
- ۳- قید زمان «همیشه» به صورت «از همیشه»، «همیشه‌ای» نیز در کشف‌الاسرار استعمال شده که کاربرد بی‌استنادی است و در دیگر ترجمه‌های کهن قرآن - با وجود تفحصی که شد - به نظر نرسیده است.^{۴۰}

یادداشتها

- ۱ - رک : جلال‌الدین سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت ۱/ ۷۲-۷۳ و النوع المشرون فی معرفة حفاظه و رواه؛ سید ابوالقاسم خوئی، بیان در علوم مسائل کلی قرآن ترجمه : محمدصادق جمعی و هاشم هریس، ۱/ ۴۴۱-۴۲۹ (بیت واستلال بر اینکه قرآن در زمان خود پیامبر گردآوری شده)؛ دکتر محمود دامیار، تاریخ قرآن، ۶۰-۵۹، ۶۵-۶۴، ۷۸.
- ۲ - جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، طبع است

- در مطبوعه اسلامیة، ۳/ ۲۶۹ -
- ۳ - ماخذ سابق الذكر، که به دوستند دیگر با جزئی تفاوت در نقل واقعه آن و اذکر کرده؛ ابومهدیه مجتهد زنجانى، تاریخ قرآن، ترجمه ابوالقاسم سبحان، ۲۷ - ۳۶.
- ۴ - الدر المنثور، ۳/ ۲۳۲ و ۲۶۹.
- ۵ - الدكتور عبدالصبور شاهین، تاریخ القرآن، قاهره، ۷۳ - ۶۸.
- ۶ - الإیتقان، ۱/ ۷۲؛ دکتر محمدباقر حجتی، تحقیقی درباره فواتح سوره، مقالات و پروسیها، دفتر ۲۸ و ۲۹، ۷۴ - ۷۳.
- ۷ - صلاح‌الدین المتجد، دراسات فی تاریخ الخط العربی، بیروت، بخصوص صفحات ۱۴ - ۴۳ در باب ویژگیهای خط مصاحف، و ۷۹ خصایص خط کوفی، و ۱۱۴ مختصات خط در زمان امویان.
- ۸ - الإیتقان، ۱/ ۱۱۱-۱۰۱، بسرای آگاهی از آراء مختلف در باره جوار یا مدم جوار ترجمه قرآن رک؛ دکتر محمدباقر حجتی، سبیری در تفسیر قرآن از آغاز تا عصر تابعین مقالات و پروسیها دفتر ۲۱ و ۲۲، ۵۵ - ۵۴.
- ۹ - ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح و اهتمام حبیبه یغمائی، انتشارات دانشگاه تهران، مجلد اول، ۵۰.
- ۱۰ - برای دیدن نمونه‌ای از این گونه واژه‌ها و ترکیبها رک : محمد مهدی رکنی، نواد لغوی تفسیر کشف‌الاسرار، مجله دانشکده ادبیات مشهد، پاییز ۱۳۵۰.
- ۱۱ - محمد جعفر یاحقی، مرورایدیهای در مصنف، خرد و کوشش، دوره چهارم، دفتر چهارم، بهار ۱۳۵۳، ص ۸۲.
- ۱۲ - ماخذ پیشین، ۸۹.
- ۱۳ - گزاره‌ای از بخش از قرآن کریم، تفسیر شنقشی (مؤلف ناشناخته)، به اهتمام و تصحیح محمد جعفر یاحقی، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۲۹.
- ۱۴ - لسان التنزیل (مؤلف ناشناخته)، به اهتمام دکتر مهدی محقق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مقدمه، ص ۳۰.

- ۱۵ - برای ملاحظه شواهد دیگر در: رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار وشفیه الابراز، به اهتمام علی اصغر حکمت، ده مجله، ۶/۲۰۲ و ۶/۲۹۰.
- ۱۶ - مآخذ پیشین، ۴۰۷/۲.
- ۱۷ - همان مآخذ، ۱/۱۲۶.
- ۱۸ - نظیر این آیه و ترجمه و در کشف الاسرار: ج ۱ ص ۲۰۲، ج ۱۵ ص ۱۰۶ و ج ۲ ص ۲۱۹.
- ۱۹ - شیه همین ترجمه را از آیه منقول در ج ۱ ص ۲۰۴، ج ۱۸ ص ۱۸ و ج ۲ ص ۲۳۰.
- ۲۰ - شواهدی که از تفسیر کشف الاسرار نقل شد نظایر دیگری هم دارد که اختصاراً به ذکر نشانی آنها بسنده می‌کنیم: ۵۹/۸، ۴۴۶/۲، ۴۵۶، ۴۸۶، ۶۶۵، ۷۰۷، ۷۰۹.
- چند شاهد، ۷۴۲. توضیح اینکه چون در سوره نساء آیات مورد بحث بیشتر آمده، در جلد دوم کشف الاسرار که به ترجمه و تفسیر این سوره اختصاص دارد مثالهای زیادتری دیده می‌شود.
- ۲۱ - لويس معلوف اليسوعي، المنجد، ۱۹۵۶، ۲.
- ۲۲ - سعيد الخوري الشروني، ارباب الموارد في تصحیح العربية والشوارد، بيروت، ۱۸۸۹ م. مؤلف تاج العروس از جمله معانی «کان» را «تبت» ذکر می‌کند و سپس می‌توسند: «وليت كل شيء بحسبه» فتمه الالوية كتولهم «کان الله ولاشيء معه» و لئذ السيد مرتضى الزبيدي، تاج العروس، دارالبيبا، ۱/۲۲۵.
- ۲۳ - ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، کتابفروشی اسلامیه، ۱۶/۲.
- ۲۴ - مآخذ سابق الذكر، ۳۷/۲، ۴۰، ۴۲، ۶۲.
- ۲۵ - ابو الفضل حبیب بن ابراهیم نفیسی، وجوه قرآن، به اهتمام دکتر مهسین محقق، ۲۴۴، هر چند همانطور که مصحح محترم کتاب، نوشته‌اند (صفحه پانزده) مراد مؤلف از وجوه معانی یک کلمه، «استعمل» قیه کلمه است نه «موضوع» له آن، ناوجود

- این به نظر می‌رسد حبیبش در برشردن معانی گوناگون واژه‌ای، به ازدیاد وجوه معنایی بیشتر متابیت داشته لا معنی اصلی که در آن به کار رفته. مثلاً از جمله معانی همین فعل ناقص «کان» را «او» و «هم چنین» شمرده است (ص ۲۴۵).
- ۲۶ - رضی الاسترآبادی، شرح بر کافیه عثمان بن حجاب معروف به شرح رضی، چاپ سنگی، ۲۷۸.
- ۲۷ - همان مآخذ، ۲۷۷.
- ۲۸ - تفسیر ابوالفتح دازی [روض الجنان و دوح الجنان]، به تصحیح مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ دوم، ۱۶۳/۳.
- ۲۹ - اینک چند مثال از تفسیر ابوالفتح دازی: «وکان الله علیها حکیماً» و خدای تعالی «همیشه» دانا و محکم‌گرمی باشد (۱۳۶/۲).
- «ان الله کان فقوراً رحیماً» خدای تعالی «همیشه» فقور و آمرزنده و بخشاینده بوده است (۱۴۷/۲).
- «ان الله کان علی کبیراً» خدای تعالی افرشته و بزرگوار است و «همیشه» چنین بوده است و خواهد بود (۱۷۳/۲).
- ۳۰ - ابوبکر حنیق سودآبادی، تفسیر قرآن کریم، عکس نسخه مکتوب به سال ۵۲۲، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۴۰۰.
- ۳۱ - لسان التنزیل، ۴.
- ۳۲ - تفسیری بر عسری از قرآن مجید (مؤلف ناشناخته)، به تصحیح دکتر جلال متینی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۴۰۴. توضیحاً یادآور می‌شود مشابه آیه مزبور دیگر در این تفسیر به نظر نرسید.
- ۳۳ - میرجلال‌الدین حسینی اردوی، مقدمه بر تفسیر گارز یا جلاء الازهان و جلاء الاحزان، تألیف حسین حسن چرجانی، ج ۱، صفحه «ی».
- ۳۴ - مآخذ پیشین، ۱۹۶/۲، ۲۰۵.
- ۳۵ - تفسیر قرآن مجید (مؤلف ناشناخته)، به تصحیح دکتر جلال متینی، انتشارات

بنیاد فرهنگ ایران ، ۱/ ۶۶۷ ، ۲۷۴ ، ۲۶۴ ، ۵۲۰ ، ۵۲۴ ، ۵۲۶ ، ۲/ ۲۱۹ ، ۲۲۲ ، ۲۲۵ ، ۲۲۷ و غیر این صفحات . قتل در ترجمه آیه ۱۱ سوره فتح ، بامبارت «مسی» داسته استمرار را رسانده است .

۳۶ - در تفسیر طبری فعل «کان» در چنان آیه‌ای معمولاً به «هست» ترجمه شده و قید استمرار هم در جمله نیامده ، چنانکه در ترجمه قسمت اخیر آیه ۱ سوره نساء «ان الله کان علیکم رفیقاً» مرئوسد : «که خدای هست بر شما نگاهبان» (۱/ ۲۸۸) ، و ترجمه آیه ۹۹ سوره نساء «وکان الله معروفاً غنوا» بدین معنات است : «و هست خدای اندر گذارنده و آرزوگزار» (۲/ ۲۱۲) ، برای ملاحظه شواهد دیگر این مورد دل : ۱/ ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۳ ، ۲/ ۲۱۲ ، ۲۱۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۵/ ۱۴۲۱ ، ۱۴۲۲ ، ۱۴۲۵ ، ۱۴۲۶ ، ۶/ ۱۷۱۱ ، ۱۷۱۳ و غیر این صفحات .

۳۷ - محمد جمهر یاحقی ، ترجمه فارسی قرآن مجید ، به نقل از قرآن مترجم مودج ۵۵۶ ، نامه آستان قدس ، شماره اول دوره دهم ، صفحات ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۴ ، ۲۴۰۲۳ و جز اینها .

۳۸ - یقیناً ، بهمن ۱۳۲۸ ، ۵۱۹ .

۳۹ - در کشف الاسرار (ج ۷ ص ۴۳) به صورت «هیشی» نیز آمده که - اگر خطای چاپی نباشد - ظاهراً املائی است از هیشی به همیشه ای ، که نظایرش را دیدیم .

۴۰ - علاوه بر تفسیرها و ترجمه های قرآن که اکنون نامبرده شد به این کتابها نیز مراجعه شد : دکتر رجائی ، متنی پاری از قرن چهارم هجری ؛ ؛ معرلی قرآن شطی مترجم شماره ۴ ؛ از انتشارات آستان قدس ؛ بخصوص و ک ؛ ص ۷ (ترجمه آیه ۱۹ فتح) ، ص ۷۶ (ترجمه آیه ۱ احزاب) .

چند برگه تفسیر قرآن مجید ؛ از انتشارات ریاست کتابخانه های امامه الخانستان ؛ با مقدمه مزابل هروی .